

واقعا خسران است. بخشی به خاطر عملکرد هر دو طیف است. جریان اصلاح طلبی همیشه باید در پی اثبات این می بود که در چارچوب نظام است. بنابراین اصلاح طلبی، کنشگری سخت تری است؛ چون شما تعریف کردید اصلاح طلب کسی است که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی به دنبال تغییر و اصلاح برای بهبود وضعیت حکمرانی در کشور است. این تعریف، تعریف سختی در عمل است و هرچه از سال ۵۷ به جلو آمدیم و اتفاقاتی که افتاده، کمتر جوانانی از نسل بعد به فعالان سیاسی پیوستند. این به خاطر عملکرد آنهاست و دعوایی که هزینه اش را مردم و نسل بعد دادند. درباره نگاه های مختلف اصلاح طلبان برای حضور در انتخابات سؤال کردید. می خواهم بگویم آیا آقای جهانگیری باید بایاد، وقتی می آید رمی شود؟ آقای جهانگیری برادر دو شهید، آقای جهانگیری استاندار، آقای جهانگیری معاون اول رئیس جمهور و از مدیران ارشد نظام و هم شهری و از دوستان سردار قاسم سلیمانی است.

❏ از کجای می دانید رد می شود؟ مگر آقای پزشکیان رد شد؟

دایره در صلاحیت ها در انتخابات جمهوری اسلامی به علی لاریجانی رسیده است؛ به حسن روحانی رسیده است که هشت سال رئیس جمهوری بود، ما بحث مصداقی برای افراد نداریم که من الان یکی یکی به شما کاندیداهای احتمالی جریان اصلاح طلبی بدهم. مردم اطلاعات شان به روزتر است، وقتی من نادره رضایی به عنوان یک فعال نسل سوم، ره صلاحیتی می شوم، چطوری قرار است افراد شاخص تایید شوند؟ این از آن حرف هاست. یک بخشی بحث نظارت استصوابی است، یک بخشی بحث تغییر قانون انتخابات و مهلت اندک پیش ثبت نام است. البته این نقد درون گروهی ما به جریان اصلاح طلبی هم هست؛ در انتخاباتی مثل انتخابات مجلس دهم چهره های شاخص مان تایید نشدند، از آن لایه سوم و چهارم افرادی در فهرست قرار گرفتند که خود من خیلی از آنها را نمی شناختم اما کل لیست در تهران رأی آورد. بخشی عملکرد مثبت داشتند، بخشی هم ممکن است انتظار مردم در حد نباشد و کل جریان اصلاح طلبی هم می داند که فقط بحث ساختاری و نظارت استصوابی نیست. مردم باید از وضعیت و عملکرد خروجی کلیت نظام احساس رضایت کنند؛ مردم دولت و مجلس از نظام تفکیک نمی کنند؛ کلیت حاکمیت را می بینند. این حرف دقیقی است.

مردم با باید از وضعیت فعلی شان رضایت داشته باشند یا در سیری قرار بگیرند که بگویند انتخاب این گزینه ها و تکرشان آینده بهتری را رقم می زند. یعنی امید به آینده و روند بهبود باید انگیزاننده باشد. مردم باید شاخص های کیفی اتفاقات در حوزه مختلف، روند مبارزه با فساد، تناسب شعار و عمل، تطبیق گفته های تئوریک و عملی مسئولان کشور را ببینند. در چنین فضایی اگر منمره نامزدها از نظر مردم ۱۰۰ می نباشد، می گویند «طیف فکری نزدیک به فلان جریان خروجی دارد» بنابراین فقط هم محور نیست. این دیگر آن جایی است که به عملکرد اصلاح طلبی و اصولگرایی برمی گردد. نمی تواند هیچ جناح فکری بگوید «هر وقت مردم آمدند و رأی دادند، من هستم و هر وقت نبودند، نمی آیم». خود جریان اصلاح طلبی هم این را می داند؛ جریان اصولگرایی الحمدلله چون خیلی نباید پاسخی به جایی بدهد خیلی دوره می تراست. جسات را خیلی از دغدغه ها را ندارد. شاخص انتخابات بعد از سال ۵۷ قرار بود میزان رأی ملت باشد، به نظرم در ادامه مجلس اول باید حفظ تکثر می بود اما اگر قرار است که دایره خودی این قدر تنگ شود که پای هیچ کسی در این دایره قرار نگیرد، دست ما خالی می ماند. چرا مجلس از اهمیت می افتد؟ به خاطر این که مردم نگاه می کنند اینها اصلا عصاره فضایل نیستند. دایره انتخاب این قدر محدود است که بخشی از لطیف تندرو و رادیکال و منفعت طلب جریان اصولگرایی که حتی خانم دکتر قوی را هم بر نمی تابد، حاضرند مشارکت از این پایین تر هم بیاید و این جای انکار ندارد.

در گفته های خودشان و همکاران شان هم هست؛ کار به جایی می رسد ما در حوزه انتخابیه با ۰۰۰ رأی، نماینده در مجلس داریم. آیا این نماینده، برآیند ملت است؟ این رزینده نظام جمهوری اسلامی است؟ او نمایندگی مردم را می کند؟ خیر، مردم می گویند «اگر قرار است به لحاظ کیفی، به لحاظ عملکردی، به لحاظ رضایت، به لحاظ آنچه در وعده انتخاباتی گفته می شود و آنچه بعدا محقق می شود، ما این تناسب را نبینیم، نمی آیم.» مردم کل آن انتظاری که از آن وعده های نماینده ها داشتند، چیزی نبود که اتفاق افتاد. در مورد لایحه حجاب، زنان ما چه حرفی زدند؟ حالا اگر اولویت شان طرح نیست، از سب که کار ایجابی نمی کنند، نشسته اند لایحه ها بیایند. خانم خزعلی که لایحه ها می گوید «لایحه خشونت علیه زنان در دستور کار مجلس مانده است.» این خانم ها کجایند که بیایند و این موارد دیگر کار را تصریح کنند؟ در واقع مردم کلیت نماینده ها را نمی بینند که حالا بخواهند آن تعداد کم نمایندگان زن را ببینند که چقدر دارند مطالبه گری می کنند و چقدر نماینده زنان متکثر ایرانی هستند. نماینده با هر میزان رأی که می آید، از فردای آن روز، نماینده کل مردم ایران است. اما نمایندگان فعلی مجلس صدای کسانی که به آنها رأی دادند نیز نیستند، تا چند رسد به آن که صدای قشر خاموشی که معترض است. از این گپ و گفت با بگذریم و ببینیم که وضعیت گل و بلبل نیست و مشکلی وجود دارد. خروجی این بحث ها اگر بخواهد بشود که هیچ مشکلی وجود ندارد، مردم هم می گویند «حمدلله، به ما که نیازی ندارید.» من احساس این است که از چند انتخابات قبل به این طرف، به رغم تاکیدات رهبری، کسانی پشت شعارها پنهان می شوند و از رهبری و نظام خرج می کنند چون در عمل فهمیده اند مشارکت مردم به ضرر شان است.



جامعه چشم انتظار مشارکت سیاسی زنان

نیره قوی: نشانه ها از انتخابات پر شور حکایت دارد

نادره رضایی: نباید دایره خودی ها را بیشتر از این تنگ کنیم

مصلحت کشور، نگاه واقع بینانه و متفاوت از دوره های قبل باشد. من نمی خواهم بگویم منفعلانه عمل کنیم، اصلا. درخصوص شورای وحدت که بنده عضو هیات عالی هستم، از همان ابتدا حضور بانوان را جدی داشتیم و الان هم داریم. نمی خواهم بگویم مطلوب است اما مقدر این بود. ما می پذیریم جامعه مان چند طیف فکری اصلی دارد، اینها در کلام شان فرزندان این نظام هستند؛ همه شان دل شان برای اسلام می تپد برای ایران می تپد، ولی با اختلاف سلیقه ها. اما نکته دوم این که آیا ما موسمی، مردم را پای صندوق های رأی می آوریم و به آنها توجه می کنیم؟ این خیلی بی انصافی است که بگویم «به مردم نگاه نظام این طور است»؛ یک موقعی روی دولت ها بحث می کنیم؛ با این کاری ندارم. ممکن است دولت ها صبح جمعه از خواب بلند شوند و بگویند «این شدو آن شدو من هم خبر ندارم» یعنی کمتر از یک خبرنگار به خواست مردم دغدغه داشته باشند؛ اما دولت هایی که روز و شب کار می کنند حتی پنجشنبه و جمعه، چیزی را تحویل گرفته اند که ما باید ببینیم کاشی یا افزایش پیدا کرده است، این هم جای خودش را دارد، ولی این که ما کل نظام را زیر سؤال ببریم که به مردم نگاه فصلی و موسمی دارد، قبول ندارم. دولت ها ممکن است، احزاب ممکن است، اصلاح طلب ها ممکن است، طیفی از اصولگرایان ممکن است اما کل نظام خیر.

اصل و رکن نظام مردم هستند، چه در قانون اساسی و چه در عملکرد کلان نظام. گاهی به مردم کمتر پرداخته می شود، روز جمعه ای است و در تفریح نگاه به وضع مردم هم می کنیم و متوجه می شویم، اما یک موقع هم هست که تلاش می شود، ولی شرایط داخلی، شرایط بیرونی و شاید از طرفی هم دقیق تر بگویم بعضی از انتخاب های اصابود در دولت مانع نتیجه بخشی می شود. واقعش این است که کلان نظام و شخص رهبری همیشه مردم را اصل و خودشان را خدمتگزار مردم می دانند. امروز طبق قانون اساسی وقتی یک نماینده وارد مجلس می شود، این طوری نیست که فقط نماینده مردم حوزه انتخابیه خود شهر باشد یا اگر یک نماینده خانم وارد می شود، فقط مسائل زنان را بخواهد کار کند.

یک نماینده طبق قانون اساسی، نماینده همه مردم است و می تواند وزیر و رئیس جمهور را استیضاح کند. این مجلس اعلام کرد «ما اصلا لایحه محور هستیم» اما اگر مجلس هنر داشت، می گفت «فقط لایحه محور نیستیم چون مجلس فقط نباید بنشیند و بگوید نیازهای دولت چیست»، مجلس می تواند خودش طرح دهد. مهم آن است که مصوبه مجلس در وضع مردم تغییر ایجاد کند و به اقدام بینجامد و مهم تر، دولت اگر یک اقدامی را هم انجام می داد، می گفت قانون هم نوشته، حالا چه طرح بود و چه لایحه، مجلس توان نظارتی خودش را بالا ببرد که ما متأسفانه در بعضی از بخش ها در این مجلس می بینیم خیلی قابل دفاع نیست.

❏ اگر نقدی دارید به صحبت های خانم قوی، بفرمایید. شورای ائتلاف کمی بیشتر اطلاع رسانی کرده که مثلا در مدرسه مفید جمع شدند، گروه های مختلفی آمدند، چند گروه کردند، نامزدها آمدند و مصاحبه گرفتند اما جایی نشنیدم که اصلاح طلبان مثلا کارگروهی تشکیل دهند. خانم ها را دعوت کنند یا به صورت گروهی خانم ها در انتخابات شرکت کنند. یک بخشی از اصلاح طلبان نیامدند، با این فرض که شورای نگهبان آنها را رد می کند. مثلا آقای علی مطهری آمد و تایید شد. آقای پزشکیان حتی خبر رد صلاحیتش آمد، ولی تایید شد. این پیش قضاوت که حتما ما رد می شویم، بنابراین نیاییم. از طرف برخی اصلاح طلبان وجود داشت. بعضی ها نیز این طوری تحلیل می کردند که اگر تایید هم بشویم، شاید رأی نیاوریم، پس نیامدند. شما چطور می بینید؟

رضایی: بعد از انتخابات، دوباره می شود گفت وگو کرد و طیف منتقد را فراخواند. دیدم آقای زیباکلام توثیت کرده و گفته بود: «جریان اصلاح طلبان شده اند مثل مداحان در مراسم ختم؛ کفن و دفن که انجام شد و روضه را خواندند، یک با یکی هم می گیرند و می روند. اینها جز ناسزا و فحش چیزی برای شان نمی ماند،» جبهه اصلاحات و ساختارش، تکثر گروه ها، سهم خواهی ها و آسیب شناسی خانه احزاب و ... از موضوعاتی است که بعد از انتخابات می شود درباره آنها نشست و صحبت کرد. سؤال بسیار خوبی را مطرح کردید. بپذیریم یا نپذیریم، خوشایند باشد یا نباشد، مردم متأسفانه از بخشی عمده جریان اصلاح طلبی و اصولگرایی عبور کرده اند و این

رسمی و از جانب شورای نگهبان و در دوربین های صداوسیما، در گفته های مجری ها و در رسانه این است که به هر شکلی می توانی باشی و با ما باشی، انتظار دارد در ۱۱ اسفند هم او را به همان شکل بپذیرند و او عضوی از مردم باشد. لذا این مهم است. مردم تفاوت نگاه های ما و مخاطب قرار دادن مردم و پذیرش شان را رصد می کنند. فعالان، احزاب، جناح اصلاح طلب و اصولگرا با همه تکثری که در هر دو هست، وظیفه دارند سکوت نکنند وقتی جناحی به ناحق حذف می شود و طیف تندرویی که اتفاقا عدم مشارکت را به قیمت پیروزی خود می پسندد، چون آسیاب به نوبت است.

اگر روزی جناح اصلاح طلب در این کشور حذف بشود، روزی شورای وحدت خانم دکتر قوی، آقای باهر، آقای متکی و ... هم حذف خواهند شد. ما در طول تاریخ انقلاب، داشتیم کسانی که فکر کرده اند بری از این هستند اما آسیاب و نویتش به آنها هم رسید و البته این اتفاق تلخ بود.

اگر می خواهیم برگردیم به اهمیت مجلس و حضور مردم، نمی شود سلیقه مردم را موسمی، در بزنگاه ها و به گاه نیاز حضور بسنجیم و از فردا بگویم «دخترهای ما خودی نیستند. زنان ما سبک زیسته شان باید در چارچوب اشل ما باشد، خواست آنها باید آنچه باشد که در تریبون رسمی اعلام می شود.» این بسیار دردناک است که مردم می بینند دارد روی کمیت، تمرکز و از کیفیت فروکاسته می شود و مردم از این اتفاق دلخور هستند.

بسیار دردناک است که اگر وزیر خارجه ما انگلیسی را خوب صحبت نمی کند یا مسئولی که عبارت دعای مشهور تحویل سال را نمی تواند از رو بخواند و بعد به چادر دو دختر بچه متمسک می شود، مردم اینها را می بینند. مردم، عمل ما برای شان مهم است، نه کلام ما که اگر شعارهای ما و آنچه در تریبون ها می گفتیم، در این ۴۵ سال کفاف می داد، من و شما نباید در این نقطه به چه کنیم می افتادیم.

خانم قوی: اولتشکر کنم از عزیزم خانم دکتر رضایی. من با بخشی از صحبت های شان همصدایی می کنم و تفکیک می کنم اما بخشی را با همدیگر صحبت می کنیم و مواجعه خواهیم داشت. در رابطه با پاسخ سؤال شما که وضع مجلس چه هست و حالش خوب است که پاسخ ندادند که این را با هم پاسخ می دهیم، چه بسا که به نقطه مشترک هم برسیم، چون پاسخ سؤال شما بیشتر اظهار نظر چند دکتر روی قوه مجریه بود. عیبی ندارد. دوباره برمی گردیم. اما در رابطه با طیف اصلاح طلب و اصولگرا و به خاصه شورای وحدت. این که فرمودند «وظیفه شماسات و وظیفه هر کسی»؛ من تکمیل می کنم فرمایش خانم دکتر رضایی عزیز را که تکلیف هر کسی که در ایران زندگی می کند، این است که واقع بینانه نسبت به همه مسائل جامعه حساس باشد و بر اساس قانون اساسی، نمایندگان مجلس بر همه موارد خصوصا عملکرد دولت باید حساس ترین ها باشند. اگر اخبار را بعد از اعلام صلاحیت ها مرور کنید، خیلی پیشتر از اصلاح طلب ها آمدیم و به عملکرد شورای نگهبان انتقاد کردیم، بنابراین شورای وحدت وظیفه اش را انجام داد. شورای وحدت نامه مکتوب داد مبنی بر این که احراز صلاحیت ها طبق قانون،

❏ خانم رضایی می گوید ما وقتی نیامدیم خواسته های مردم را در طول میانگین هر دو سال یک بار انتخابات فراهم کنیم، وضعیت کنونی را داریم. اساسا آیا شما انتخابات را بی تب و تاب می دانید؟ بعضی ها می گویند اصلا بی تب و تاب نیست؛ همیشه همین است، مخصوصا در انتخابات مجلس که با ریاست جمهوری متفاوت است. در تهران این طوری است و در شهرستان ها این طوری نیست. اولاشما این را قبول دارید که بی تب و تاب است؟ دوما آیا علتش را همین می دانید که خانم رضایی گفت؟

قوی: بعد از انقلاب اسلامی ایران مردم تاثیرگذار در همه انتخابات بودند که این غیر قابل انکار است. واقع بین اگر باشیم، این طور نیست که به نسبت شرایط دوره های قبل وضعیت ناامیدکننده باشد و با ناامیدی بگویم «دیگر مردم نمی آیند، چه کنیم؟». بله، مردم به نسبت دوره های قبل، شاید کمتر در تب و تاب انتخابات باشند اما احزاب و گروه ها این طور نیستند چون غوغایی به پا است؛ هر کسی برای اهداف خودش دارد تلاش می کند؛ چه اصولگرایان، چه اصلاح طلبان. اینها بالاخره در درون خانواده جمهوری اسلامی ایران رقابت ها را دنبال کرده اند. در رابطه با رقابت های احزاب این دوره اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. همدیگر را گاهی می گویند، گاهی

رد می کنند، گاهی به چالش می کشند. البته حضور همه مردم می شد بهتر از آن باشد؛ سیر صعودی داشته باشد. مردم تا حد زیادی حق دارند. من این امید را برای حضور پرشور مردم دارم، یکی از نشانه هایش راهیمیایی ۲۲ بهمن بود که مردم با سلیقه های مختلف آمدند، با وجودی که چهار روز تعطیلات قبل از آن بود. با نگاه واقع بینانه، شاید بهتر از این می شد باشد؛ یکی از علت هایش بحث عملکرد دولت است. اگر دولت بهتر عمل می کرد، مردم امروز با انگیزه تر می آمدند، ولی خواهند آمد. چون حفظ آرمان ها و بسیاری از ارزش ها حتما بستگی به حضور و اراده آنها دارد. مردم در اصل نظام با کسی تعارف ندارند. انتخابات یعنی رأی دادن به تثبیت اصل نظام جمهوری اسلامی، مردم چنین باوری دارند و با همه سلیقه ها ان شاء... خواهند آمد و این سیر دارد ان شاء... صعودی می شود.

❏ به هر حال مجلس جای مهمی است و شاید خیلی برای مردم این توضیح داده نشده که مجلس مهم است. شاید دولت را همیشه مهم تر دیده اند. یعنی انتخابات ریاست جمهوری را شاید همیشه مهم تر دیده اند؛ از این رو میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری متفاوت است. شما عملکرد نمایندگان خانم در این مجلس را چقدر موثر می دانید؟

رضایی: ما همه با هم همدل هستیم و از این که فضای انتخابات کم رقم است، ناراحتیم و دوست داریم انتخابات پرشور داشته باشیم. این برای ادامه بحث خیلی خوب است. در این ۱۲۰ سالی که ما از مشروطه تا الان گذرانیم، خون ها برای حق رأی داده شد و حیف است که از بین برود. آن کسانی که فضا ایجاد می کنند که مردم انتخابات را کم جان بپذیری کنند و حضور نداشته باشند، از فضا آن کسانی هستند که باید با آنها برخورد جدی شود. خواستم این شفاف سازی صورت بگیرد. بله، مجلس بسیار مهم است و اگر چیزی می خواهد به ما کمک کند، رجوع به رأی مردم است که اگر مردم نباشند، خدای نکرده نظام جمهوری اسلامی نخواهد بود. اگر ما به این اعتقاد داریم، باید درباره این محور صحبت کنیم که چرا نتوانستیم بگویم «مردم فکر می کنند در خلأ مانده اند؟» این سؤال بسیار مهمی است. احیانان خدای ناکرده در قانون گذاری و نظارت در چارچاقول هستیم که اهمیتش را باید برای مردم تبیین و تکرار کنیم. در انتخاباتی که در این ۴۵ سال گذرانیم، خودم به شخصه احساس می کنم از کیفیت حضور نمایندگانی که قرار بود عصاره فضایل ملت باشند، کاسته شده است. برای این که بتوان اجماع حداکثری و مشارکت حداکثری ایجاد کنیم، جناحین باید به کمک هم بیایند تا طیف بیشتری از مردم را ترغیب کنیم که ما توانا هستیم و حضور ما در مجلس می تواند به کشور کمک کند. وقتی در نظارت استصوابی عمیق شویم انتخاب مردم بین گزینه های بهتر، سخت شده و شما نمی توانید انکار کنید.

شما می گویند در ۲۲ بهمن حضور پرشور بوده است. آن زن یا دختر که می آید و شرکت می کند، اگر حجاب، سبک پوشش، سبک زندگی و آنچه که زیسته او هست بر آنچه که می پسندد، در تریبون

مصطفی صادقی
مشاور شورای مدیریت
هفتمین برنامه عصر جام جم با موضوع دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد و در این برنامه خانم نیره قوی، عضو شورای وحدت و نادره رضایی، فعال سیاسی حضور داشتند.

❏ زمان زیادی تا انتخابات مجلس شورای اسلامی باقی نمانده است. شما نقش آفرینی خانم ها را در این دوره از انتخابات چطور دیدید؟

قوی: فضای انتخاباتی در جامعه درحال شکل گیری است، شاید دیگر آن انسداد را خیلی نمی بینیم و هرچه به انتخابات نزدیک تر می شویم، شرایط بهتر می شود. صداوسیما می تواند تاثیرگذار باشد. برای ارزیابی نقش آفرینی زنان، باید مقایسه ای با پیش از انقلاب انجام دهیم. در قانون مشروطه هم مانعی برای مشارکت زنان چه به لحاظ رأی دادن و چه به لحاظ کاندیدا شدن وجود نداشت، سال ۱۲۸۵ قانون مشروطه تصویب شد اما با این وجود زن ها هیچ گونه ظهور و بروز نداشتند؛ در انتخابات نه رأی می دادند، نه کاندیدا می شدند، یعنی ظهور و بروزشان صفر بود. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ رضاخان شاه بود و ادعای مدرن کردن جامعه را داشت اما

باز می بینیم زنان نه کاندیدا می شدند و نه در انتخابات شرکت می کردند؛ از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲ پهلوی دوم بر سر کار بود، باز هم این وضعیت عدم مشارکت زنان وجود داشت. قانون مانعی نبود اما زنان نه کاندیدا بودند و نه انتخابگر. از ۴۲ به بعد با آن شرایطی که پیش آمد، زنان وارد هر دو عرصه انتخاب شدن و انتخاب کردن شدند، با این وجود آمار بسیار بالایی از حضور زنان در چه پای صندوق های رأی و چه خاتم هایی که وارد مجلس شدند، نداشتیم. بعد از انقلاب، ما تا امروز قریب به ۵۰ انتخابات در کشور برگزار کردیم؛ وقتی واقع جامعه را نگاه می کنیم، می بینیم زنان در پای صندوق های رأی حضور پررنگی را رقم زدند و اگر بگویم پیشروتر از مردان، کمتر از مردان هم نبودند. امروز به نظرم می رسد به نسبت دوره های قبلی مشارکت بهتر شده اما مطلوب نیست. نگاه جنسیتی و کمی نمی خواهم بکنم و ادعایم حتما اگر زنان ۲۰ درصد، ۴۰ درصد مجلس پرودن موضوعات

زنان خوب مطرح می شود؛ چون این طور نیست. نمونه هایی در جهان داریم که اکثریت کرسی های پارلمان در دست زنان است، ولی باز هم می بینیم که وضعیت زنان سبزیوش و بنفش پوش داریم. در مجموع بعد از انقلاب میزان حضور زنان در عرصه نقش آفرینی بهتر شده و می بینیم بیشتر خروجی های دانشگاه ها از دختران هستند، شرایط جامعه نیز حضور جدی تر خانم ها را می طلبد که معتقدم می شود در نسبت سوم انقلاب، خانم ها حضور جدی تر و پیرنگی تر را نسبت به دوره های گذشته داشته باشند.

❏ این حرف درستی است. اما رها نگاه می کردم. قابل توجه است میزان زنانی که ثبت نام کردند و تایید صلاحیت شدند. شما چه نگاهی به این ماجرا دارید؟ همین نکاتی می کند یا باید بیشتر از این نقش آفرینی زنان اتفاق می افتاد؟ اگر هم حضور خانم ها را قوی نمی دانید، علتش چیست؟

رضایی: فارغ از فضای جنسیتی، الان در کجا ایستادیم؟ در چند روز مانده به انتخابات، فضای رقابت بی تب و تاب است و ما نمی توانیم این را منکر شویم که بعد بخواهیم به موضوع زنان برسیم. عوامل مختلفی به لحاظ اجرایی، سیاست ورزی و کنشگری در این مسأله دخیل هستند. آنهاپی که باید نقش آفرینی کنند، خاصه احزاب و فعالان سیاسی چقدر نتوانستند خودشان را آماده، محیا و توانا برای عرضه و در معرض قرار دادن کنند تا مردم بتوانند به آنها رجوع کنند؟ به عنوان نسل سوم انقلاب، فضا را بسیار کم تب و تاب می بینم و البته تعجب هم نمی کنم، هر چند بسیار ناراحت کننده است.

محدود به بزنگاه ها نیازمند مشارکت مردم نشویم، هر کشوری که حداقل دو سال یک بار انتخابات دارد، بازه زمانی بسیاری دارد که بتواند نگاه های فکری مختلف را در طول سال برای گفت وگو و همفکری به کار بگیرد. واقعا امروز چارمردم باید بیایند و در انتخابات شرکت کنند؟ چرا مردم علی رغم انتخابات متعدد و تلاش ها و همراهی های بسیار باید بیشتر به ما بپوسته باشند؟ به نظرم پاسخ به این دو سؤال راهگشاست خواهد بود. یک بخش آن ممکن است در دعوها و جدال های سیاسی و منازعات این باشد که ما سلاقی مختلف را برای انتخابات نمی بینیم، شاید نظارت استصوابی کار را دشوار کند، شاید عده ای نتوانستند فرصت حضور داشته باشند که من آن را کتمان نمی کنم ولی آنچه که خودم به آن رسیدم این است که مردم، ما را آرموده اند، بسیار رصد و نتیجه گیری کرده اند؛ ما در بزنگاه ها سراغ مردم می رویم، طلب حضور می کنیم اما در ادامه آنچه وعده کرده ایم، محقق نمی شود.

اگر به این دو سؤال در ادامه صحبت ها منصفانه، غیر شعاری و دلسورانه پاسخ دهیم و دغدغه های به حق اقتصادی، اجتماعی، سبک زندگی، جنسیتی و نسلی را درنظر بگیریم شاید صدای ما بتواند مخاطب را به میزانی هماهنگ کند.